

## فارسی کرمان

رمضون دراز - رمضان نام خاص است و رمضان دراز کنایه از ماه رمضان است که برای روزه داران (و شاید بیشتر برای روزه خواران) دراز به نظر می‌رسد.

**دراز کشیدن** - /*kešidan*/  
استراحت موقت خوابیدن /*kerdan*/  
**دراز کردن** - «کسی را برای شلاق زدن روی زمین خوابانیدن» /*kerdan*/  
**دراز دراز** - حالت راه رفتن بدون هدف و بی‌هوده.

**دراز نابراز** /*derâz e nâborâz*/  
دراز بی‌قواره و بدترکیب نزدیک به **دیلاق** /*deylâq*/.

**درنگ** /*dereng*/ - (ناماوا)  
صدای زنگ، صدای افتادن فلز (سکه)  
**درنگ درنگ** - صدای متوالی زنگ، صدای ساز و تار و تنبک و مانند آن.

**درنگوندن** /*derangundan*/  
به صدا درآوردن، ساز زدن، تنبک زدن  
← **دلنگ** /*deleng*/.

**درز** /*derez*/ - پرش (در حال خواب یا تفکر و عدم توجه) /*derezg*/  
**درزگ** - /*duneg*/ **دونه درزگ** - دانه‌های پراکنده (باران یا حیوانات غیر آن) /*midan*/ **درزگیدن** - خود به خود پرتاب شدن، جرقه زدن، جرقه

/*derax(t)*/ **درخت** (ت) ← گف

/*mkot konu*/ **درخت کت‌کنو** - دارکوب  
= /*dârkot konu*/ = **دارکت کت‌کنو**  
tellu (زرنندی)

**درخت مورو** /*deraxt e muru*/

درخت توت مخصوص کرم ابریشم

**درختگان** /*deraxtengun*/

از دهستانهای شمالی بخش مرکزی شهرستان کرمان است. بیش از هفت هزار تن جمعیت و ۸۱ پارچه آبادی دارد که از آب رودخانه مشروب می‌شوند. بر روی یکی از رودهایی که به سوی جنوب سرازیر می‌شود سدی به نام هلاکوبوده است. مرکز دهستان **ده لاله** و محصول آن جو و سیب زمینی است. سابقاً کشت خشخاش نیز در این دهستان معمول و محصول آن فراوان و مرغوب بوده است.

\* **درات** /*derât*/ - زنگی که به گردن حیوانات می‌بندند؛ معمولاً زنگ بزرگ آهنی استوانه‌ای شکل را گویند = **دراک** /*derâk*/.

**درخت زنی** - *derax zenî*/

شاخ و برگهای زاید، هرس.

← /*derâvordan*/

**درآوردن** /*derâvordan*/.

/*derâz*/ **دراز** /*rəmezun-e*/

پیراندن. یکه: **/xordan/ درز خوردن** -  
 یکه خوردن **/varmidan/ وردرز میدن** -  
 پیریدن (از خواب یا در حال تفکر و عدم توجه)  
 بر اثر صدای ناگهانی یا خواب هولناک.  
**/derg/ درگ** = برهنه و لرگ  
 ولی بدحال تر از لرگ است، «لخت و بیچاره»  
 = «لرگ» **/we lerg/ «درگ لرگ** -  
 لخت و بیچاره و فقیر و بیمار **/wi/ درگی** -  
 «لختی و بیحالی» فک .

**/derumad/ درومد** = درآمد ؛  
 «عایدی... این لفظ در عرف کارمندان دولت  
 به معنی آنچه غیر از حقوق مقرر و رسمی  
 بطریق مشروع (و غالباً نامشروع) عایدشان  
 می شود استعمال می گردد». فلع .  
**/piš/ پیش درومد** = (پیش درآمد)  
 مقدمه و برداشت سخن و موسیقی و آواز  
 و کار .

**/deryâ/ دریا** - دل به دریازدن؛  
 پیشواز خطر رفتن (ریسک کردن) .

**/dê-sa'id/ ده سعید** - ۱۵-۵۷\*  
 ۲۱-۳۰ ده بیست و چهار خانواری دهستان  
 درختگان در ۲۴ کیلومتری خاور کرمان،  
 محصول آن غلات و حبوبات است .

**/dê-sâlâr/ ده سالار** - ۱۷-۵۶\*  
 ۲۴-۳۱ دهکده دو خانواری کوهبنان  
 در ۲ کیلومتری شمال مرکز بخش .

**/dê-sâle/ ده صالح** - ۲۰-۵۷\*  
 ۲۸-۳۰ دهکده هشت خانواری دهستان  
 درختگان در ۳۵ کیلومتری شمال خاوری  
 کرمان .

**/dê-seyf/ ده سیف** - ۵۰-۵۷\*  
 ۲۲-۳۰ دهکده سیزده خانواری شهداد  
 کرمان در ۲۵ کیلومتری شمال مرکز  
 بخش، محصول آن غلات، خرما، حنا و

**/deride/ دریده** - (پاره) گستاخ  
 و بیحیا **/mgi/ دریدگی** (پارگی) گستاخی  
 و بیحیایی .

**/derik/ دریک** - کلافه کوچک نخ  
**/wi/ دریکو** - دریک کوچک

**/derik/ دریک** - اسبایی که با  
 آن نخ را کلافه می کنند و عبارت از دو  
 پایه چوبی متصل بهم یا در زمین استوار  
 است که به هر یک میخی چوبین نصب شده  
 است و با دست نخ را از دوسوی میخها  
 برای کلافه کردن می گذرانند .

**/varzedan/ وردریک زدن** - نخ را  
 با دریک کلافه کردن. کلافه ای را که با کمک  
 دریک درست شده است نیز دریک نخ  
 یا **/wi/ دریکو** گویند .

**/derik derik/ دریک دریک** -  
 (ناماوا)

صدای لرزیدن از سرما یا زلزله  
 = **/terik terik/ تریک تریک**.

**/deriku/ دریکو** ← **/derik/ دریک** .  
**/derous/ دروش** - ۱ - درفش

مرکیات است .

\*۵۶-۰۵ /dē sirun/ ده سیران-

۳۰-۵۱ دهکده ۳ خانواری دهستان سیریز در ۵۵ کیلومتری باختر زرنند کرمان.

\*۵۷-۱۴ /dē-soltan/ ده سلطان-

۳۰-۲۹ دهکده شش خانواری دهستان درختگان در ۳۰ کیلومتری شمال خاوری کرمان .

\*۵۷-۲۷ /dē-šār/ ده شار -

۳۰-۳۲ دهکده سه خانواری دهستان درختگان در ۴۲ کیلومتری شمال خاوری کرمان .

\*۵۶-۲۱ /dē-šāxi/ ده شاخی-

۳۱-۲۷ دهکده شش خانواری کوهبنان در ۱۱ کیلومتری شمال مرکز بخش .

\*۵۷-۱۸ /dē-šehāb/ ده شهاب-

۳۰-۲۱ ده سی خانواری دهستان درختگان در سی کیلومتری شمال خاوری کرمان ، محصول آن غلات و حبوبات و کارمردمش کشاورزی و قالیبافی است .

\*۵۶-۴۱ /dē-šeyx/ ده شیخ -

۳۱-۰۱ ده بیست و دو خانواری دهستان سر بنان در ۳۲ کیلومتری شمال خاوری زرنند کرمان، محصول آن غلات و حبوبات و کار مردم آن کشاورزی و قالیبافی است.

\*۵۶-۳۳ /dē-šeyx/ ده شیخ -

۳۰-۴۶ ده بیست خانواری دهستان حومه در ۱۱ کیلومتری باختر زرنند کرمان ، محصول آن غلات ، حبوبات پسته و پنبه است .

\*۵۶-۳۱ /dē-šib/ ده شعیب -

۳۰-۳۴ ده بیست و یک خانواری دهستان سیلوئیه در سی کیلومتری جنوب زرنند ، محصول آن غلات و حبوبات است .

\*۵۷-۲۹ /dē-šib/ ده شعیب -

۳۰-۳۲ دهکده دو خانواری دهستان حرجند در ۷۷ کیلومتری شمال کرمان.

\*۵۶-۵۶ (?) /dē ši/ ده شیب-

۳۱-۱۴ ده بیست خانواری راور کرمان در ۴ کیلومتری جنوب خاوری مرکز بخش. محصول آن غلات، پسته و پنبه است آب آن معدنی و در سرچشمه گرم است .

\*۵۶-۰۶ /dē-šib e hosn/ ده شیب حصن-

۳۰-۴۶ ده بیست خانواری دهستان حصن در ۴۵ کیلومتری شمال باختری زرنند کرمان، محصول آن غلات، حبوبات، پسته و پنبه است .

/dešleme/ دیشلمه = چای قند

پهلوه = دیشلمه (تهران). لاس دیشلمه - لاس کم مایه و کم خرج .

(دیشلمه) با اینکه ترکی است در

آذربایجان فعلا معمول نیست. ترجمه لفظی آن «دندان» یا «دندان مز» است .

/dešne/ دشنه - خنجر «کارد ،

شوشکه، سلاح سردی که از شوشکه کوچکتر و از چاقو بزرگتر و شبیه کارد است» فلج.

\*۵۶-۲۱ /dē-šur/ ده شور -

۳۱-۲۰ دهکده سه خانواری دهستان کوهبنان در دو کیلومتری مرکز بخش.

\*۵۷-۱۱ /dē-šur/ ده شور -

۳۰-۲۵ دهکده سه خانواری دهستان درختگان در هجده کیلومتری شمال خاوری کرمان .

۰۵-۵۷\*۴۸-۳۰ دهکده دو خانواری  
دهستان حرجند در ۸۶ کیلومتری شمال  
کرمان .

**/deval/ دول - [دوار] : چرخ .**  
**/dâdan/ دول دادن - چرخ دادن (در**  
معامله) سرگردان کردن ، امروز و فردا  
کردن .

**/devândeği/ دوندگی-فعالیت ،**  
کوشش ، تحرك .

**/devâl/ دوال-کناره قالی و گلیم**  
که بدون نقش است .

**/devâtgar/ دواتگر - چلنگر ،**  
قفل ساز .

**/devâzda/ دوازده -** **\*/dôza/**  
دوزه .

**/devum/ دووم- دوام-دیرپایی .**

**/dê-xâje/ ده خواجه-۰۲-۵۶\***  
۰۵۷-۳۰ ده پنجاه و چهار خانواری دهستان  
سیرین در ۶۳ کیلومتری شمال کرمان ،  
محصول آن، غلات، حبوبات، پسته و پنبه است.

**/dê-xâje/ ده خواجه-۰۲۱-۵۶\***  
۲۵-۳۱ دهکده سه خانواری بخش  
کوهینان در ۴ کیلومتری شمال مرکز بخش.

**/dê-xân/ ده خان - ۱۹-۵۷\***  
۲۵-۳۰ ده سی خانواری دهستان درختگان  
در ۲۸ کیلومتری شمال خاوری کرمان ،  
محصول آن غلات و حبوبات است

**/dê-xân/ ده خان - ۵۰-۵۷\***  
۲۶-۳۰ دهکده ده خانواری بخش  
شهداد کرمان در ۱۴ کیلومتری شمال  
خاوری مرکز بخش، محصول آن غلات،

**/dê-tak/ ده تک - ۱۲ - ۵۷\***  
۳۰-۳۰ دهکده چهار خانواری دهستان  
درختگان در ۳۰ کیلومتری شمال کرمان.

**/dê-taqi/ ده تقی - ۰۵-۵۷\***  
۵۲-۳۰ و ۵۱-۳۰ دو دهکده  
هشت خانواری دهستان حرجند در ۶۹  
کیلومتری شمال کرمان .

**/dê-taqi ruxune/ ده تقی**  
**رودخانه - ۲۶-۵۷\*۳۱-۳۰** ده بیست  
خانواری دهستان درختگان در ۴۰  
کیلومتری شمال خاوری کرمان، محصول  
آن غلات، حبوبات، کارمردمش کشاورزی،  
قالیافی است .

**/deu/ دهوئییه - ۳۵-۵۷\***  
۰۸-۳۰ دهکده ۶ خانواری دهستان  
جوشان در ۵۰ کیلومتری جنوب باختری  
شهداد کرمان .

**۲۳-۵۶\*۳۸-۳۰** دهکده دو  
خانواری دهستان سیلوئییه در ۳۰ کیلومتری  
جنوب باختری زرنده کرمان .

**/deu/ دهوئییه-۱۱-۵۷\*۴۵-۳۰**  
دهکده دو خانواری دهستان حرجند در  
۸۶ کیلومتری شمال کرمان .

**/deu â manrezâ/ دهوئییه آقا**  
**محمدرضا - ۳۷-۵۷\*۳۰** دهکده  
چهار خانواری دهستان حرجند در ۸۶  
کیلومتری شمال کرمان .

**/deu bâlâ/ دهوئییه بالابالا -**  
۱۵-۵۷\*۳۴-۳۰ دهکده سه خانواری  
دهستان درختگان در ۴۰ کیلومتری  
شمال خاوری کرمان .

**/deu bedi/ دهوئییه بسدیع -**

لاغر و دراز گفته می‌شود. درازبی‌قواره.  
 «/deylâx/ دیلاخ - بلند و دراز. در  
 خراسان دیلاخ گویند (لار)» فل. «آدم  
 قد دراز به وضعی نامناسب و بی‌قواره  
 معمولاً به کسانی که با بلندی قد و درازی  
 آن بیمصرف و بیکاره یا بیمار و بی‌درد  
 باشند اطلاق می‌شود». فلغ .

/deym/ دیم - محصولی که از بارش

و برف آب خورد = دیم [قب] فك . =

/deyme/ دیمه . = /deymi/ دیمی.

= /baškâr/ بشکار - «دیم‌کاری، زراعت

دیم» فلغ. گندم‌دیم. محصول دیم. کشت

بدون آبیاری. حرف یوج ، بی‌سروته،

کتره‌یی .

/deyme/ دیمه ← /deym/

دیم = «سینه کوه (تفرشی)» فل. /kâr/

دیمه‌کار - زراعت دیم = /kâri/ دیمه‌کاری -

گندم دیمه، محصول دیمه .

/deymi/ دیمی - بی‌اساس و بی‌اصل

← /deym/ دیم - «علاوه بر معنی دیم

به معنی چیز بیخودی و دروغین استعمال

می‌شود دیمی حرف زدن - حرف مفت و

بیخود و بی‌معنی زدن» فلغ .

/deymi kâri/ دیمی کاری ←

/deymi/ دیمی .

/deym kâri/ دیم‌کاری ←

/deym/ دیم .

/dê-zargar/ ده زرگر - \*۵۷-۰۴

۳۸-۳۰ دهکده پنج خانواری دهستان

خرما و حنا ، کار مردمش کشاورزی و  
 بوریا بافی است (۲).

۴۷ - \*۵۶-۳۸ - ۳۰ دهکده ده

خانواری دهستان زنگی آباد در ۷۲ کیلو  
 متری باختر کرمان، محصول آن، غلات،  
 پسته و پنبه است (۳).

۲۴-۵۶\*۲۶ - ۳۱ دهکده چهار

خانواری بخش کوه‌بنان کرمان در ۳ کیلو  
 متری مرکز بخش (۴).

/dê-xodâdâd/ ده خدا داد -

۳۳-۵۶\*۱۰ - ۳۱ دهکده سه خانواری

دهستان سرینان در ۲۸ کیلومتری شمال  
 خاوری زرنند کرمان.

/dê yâqub/ ده یعقوب - \*۵۶-۲۷

۳۸-۳۰ ده ۶۵ خانواری دهستان سیلوئیه

در ۲۱ کیلومتری جنوب زرنند کرمان  
 محصول آن غلات و حبوبات است .

/dê yâzi/ ده یزدی - \*۵۷-۱۵

۱۵-۳۰ دهکده ۲ خانواری دهستان

درختگان در ۳۰ کیلومتری خاور کرمان.

/dê yâzyâ/ ده یزدیها -

۲۴-۵۶\*۱۱ - ۳۱ دهکده یک خانواری

دهستان طغرل جرد در هفتاد کیلو متری  
 شمال زرنند کرمان .

/dê yâri/ ده یاری - \*۵۷-۱۶

۲۶-۳۰ دهکده یک خانواری دهستان

درختگان در ۳۰ کیلومتری شمال کرمان.

/deylâq/ دیلاق - دراز و باریک

صفت جانداران است و به انسان یا حیوان

۱- ده خان درختگان .

۲- ده خان شهداد .

۳- ده خان زنگی آباد .

۴- دهو خان .

و خائب و خاسر» فلغ .

*dəmeru/* /دهرو- دمر، به رو

افتاده ، رو به زمین ، پشت به هوا =

*/kopeki/* کپکی (شاید منسوب به

کپک یعنی سگ باشد) . «دمر ، به روی

افتادن، به روی خوابیدن» فلغ .

*/dərâdemi/* درآدمی-۵۳-۵۶\*

۳۰-۵۶ دهکده سه خانواری دهستان

حتکن در ۳۴ کیلومتری شمال خاوری زرنند

کرمان = */dərâdemi/*

*/dərâvordan/* درآوردن- بیرون

آوردن، خارج کردن ، استخراج کردن،

به دست آوردن = */ve=* /ودرآوردن-

*/nun=* /نون ( نان ) درآوردن -

*/pul=* /پول درآوردن. */az xod=* /از

خود درآوردن - اختراع کردن .

*/adâ=* /اهد درآوردن- مسخرگی کردن،

کار تمسخر آمیز کردن .

*/dərə abdun/* در عبودن -

۲۶-۵۶\*۰۶-۳۱ = باب عبدان دهکده

۱۰ خانواری دهستان دشت خاک در ۵۰

کیلومتری شمال غربی زرنند کرمان آب

وهواپش کوهستانی وسردسیر محصول آن

غلات و حبوبات و تریاک و کار مردمش

کشاورزی است .

*/dər e âb/* در آب - ۴۹-۵۶\*

۳۰-۴۸ دهکده شش خانواری دهستان

حتکن در ۴۲ کیلومتری شمال خاوری

زرنند کرمان .

۲۰-۵۶\*۲۵-۳۱ دهکده دو خانواری

در ۳۴ کیلومتری شمال باختری راور

کرمان .

حرجند در ۳۲ کیلومتری شمال کرمان ،

مزرعه های بندرده و زرگر جزو این

دهکده است .

*/dē-zənun/* ده زنان- ۵۰-۵۷\*

۳۰-۴۹ دهکده چهار خانواری دهستان

حرجند در ۸۳ کیلومتری شمال کرمان =

*/dē zənun/*

*/dē-zu/* ده زوئیه - ۳۱-۵۶\*

۳۰-۵۶ ده بیست خانواری دهستان

طغرل جرد در ۲۰ کیلومتری شمال زرنند کرمان.

*/dē zyâr/* ده زیار - ۵۶-۵۶\*

۳۰-۳۸ ده یکصد و چهل خانواری دهستان

زنکی آباد در ۶۰ کیلومتری شمال باختری

کرمان، محصول آن غلات و حبوبات و کار

مردمش کشاورزی و قالیبافی است .

*/dêâ tîrbând/* دعا تیربند -

دعائی که برای دفع تیر بر بازو می بندند

= */dêâ=*

*/dêbang/* دبنگ- گیج، بنگ زده

« دبنگ = *dabang* = آدم نفهم و

کم عقل » فك. « به فتح اول و دوم، صفتی

است برای تحقیر و تمسخر که در آن معنی

صفتی مانند پیروز و بی غیرت و بی کاره و

بی عار و بی درد نرفته است و می توان به تمام

این معانی آنرا استعمال کرد» فلغ =

*/dêbang/*

*/dêk-e dan/* دك و دهن -

لب و لوچه، يك و پوز « لب و دندان و

دهان، فلغ */dêk-e=*

*/dêmaq/* دماق - « شرمنده و

کوک شده، پکر شده ، مایوس شده - دماغ

[فب] فك. « دماغ، کسل و افسرده و ناراحت

۲۷ - ۳۰ دهکده سه خانواری دهستان  
درختگان در ۴۲ کیلومتری شمال کرمان  
/der a ɤ/ =  
- **در بلوچی** /dər e boluci/  
۵۳-۵۶\*۵۸-۳۰ دهکده دو خانواری  
دهستان سربنان در ۵۰ کیلومتری شمال  
شرقی زرنده کرمان .  
۲۵-۵۶\*۳۱-۰۶ دهکده دو خانواری  
دهستان طنزلجرد در ۴۲ کیلومتری شمال  
زرنده کرمان = /der e ɤ/ = باب بلوچی .  
/dəzeki/ **دزدکی** - دزدانه، پنهانی  
= /dəzekâyi/ **دزدکایی** .  
- **در برزی** /dər e borzi/  
دهکده سه خانواری دهستان درختگان  
کرمان در ۴۵ کیلومتری شمال شرقی کرمان .  
= /der e ɤ/ = **باب برزی** .  
/dər e câ/ **در چاه** - ۲۶-۵۶\*  
۳۱-۰۷ = **باب چاه** - دهکده يك خانواری  
طنزلجرد در ۶۰ کیلومتری زرنده کرمان .  
/dərə cenâru/ **در چنارو (ئیه)** -  
دهستان حرجند در ۷۵ کیلومتری شمال  
باختری کرمان .  
۳۲ - ۵۶\*۰۵ - ۳۱ دهکده يك  
خانواری دهستان دشت خاک در ۳۵ کیلو  
متری شمال خاوری زرنده /dər e cenâlu/  
**در چنالو** - /der e ɤ/ =  
- **در چیرو (ئیه)** -  
۵۵-۵۶\*۵۵-۳۰ دهکده يك خانواری  
دهستان سربنان در ۳۶ کیلومتری شمال  
خاوری زرنده کرمان = /der e ɤ/ =

۲۸-۵۷\*۱۰-۳۰ دهکده يك خانواری  
دهستان سیرج در ۶۶ کیلومتری جنوب  
باختری شهداد کرمان = /dər e ow/  
**دراو** = /der eɤ/ =  
/dər e bar/ **در بر** - ۲۹-۵۷\*  
۳۰-۰۵ دهکده سه خانواری بخش ماهان  
کرمان در ۱۶ کیلومتری خاور ماهان .  
مزرعه **مهدی آباد** جزو این ده است  
= /der e ɤ/ = **دره بر** .  
/dər e bar âftâb/ **در بر آفتاب** =  
۳۲-۵۷\*۱۳-۳۰ دهکده  
سه خانواری دهستان سیرج در ۴۸  
کیلومتری جنوب باختری شهداد کرمان  
= /dər e beraftow/  
**در بر آفتو** =  
/der e ɤ/ =  
/dər e bidu/ **در بیدو** - ۳۸-۵۶\*  
۳۴-۳۰ = **باب بیدوئیه** - دهکده نه خانواری  
دهستان سبلوئیه در ۳۲ کیلومتری زرنده  
کرمان .  
/dər e bâdyun/ **در باد یون** -  
(بادیان) ۱۱-۵۶\*۴۷-۳۰ دهکده سه  
خانواری دهستان حصن در ۴۵ کیلومتری  
باختر زرنده کرمان = /der e ɤ/ =  
/dər e beyg/ **در بیگ** - ۲۳-۵۷\*  
۳۱-۳۰ دهکده دو خانواری دهستان  
حرجند در ۵۸ کیلومتری شمال کرمان =  
/der e ɤ/ =  
/dər e bidxun/ **در بیدخوان** -  
۴۹-۵۶\*۵۰-۳۰ = /der e ɤ/ = **باب**  
**بیدخون** .  
/dərə biše/ **در بیشه** - ۲۴-۵۷\*

/der e gelu/

دِرگَزُو = باب گزك

دهكده شش خانواری بخش کوهبنان در

سه کیلومتری باختر راه فرعی کوهبنان

به کرمان = /der e =/

- دِرگَهَر /dər e gohar/

۵۲-۵۶\*۵۵-۳۰ = بارگهر ده هفتاد

خانواری حتکن در ۲۸ کیلومتری شمال

خاوری زرنند کرمان هوایش کوهستانی و

سردسیر، محصول آن غلات و کار مردمش

کشاورزی و قالیبافی است .

۳-۵۷\*۵۱-۳۰ دهكده ۵ خانواری

دهستان حرجند در ۹۰ کیلومتری شمال

باختری کرمان .

- دِرگُورِیون /dər e guryun/

۳۱-۵۶\*۵۹-۳۰ = درگوریان = باب

گوریان - دهكده يك خانواری دهستان

سربنان در ۲۰ کیلومتری شمال زرنند کرمان.

- دِرِهَوِیَز /dər e haviz/

۸-۵۶\*۴۴-۳۰ = باب هویز دهچهل

و سه خانواری دهستان حصن در ۳۵ کیلو

متری باختر زرنند کرمان. محصولش غلات،

حبوبات، پسته و پنبه، کار مردمش کشاورزی

است = /der e =/

- دِرِهَسَزَار /dər e hezâr/

۱۷-۵۷\*۳۷-۳۰ = باب هزار دهكده

شش خانواری دهستان حرجند در ۴۸ کیلو

متری شمال کرمان = /der =/

\*۵۷-۱۹-۵۰ دِرچُووِه /dər e cue/

۲۴-۳۰ دهكده دو خانواری دهستان

درختگان در ۲۴ کیلومتری شمال خاوری

کرمان = /der e =/

\*۵۶-۴۲-۵۰ دِر دِزِی /dər e dizi/

۵۴-۳۰ دهكده چهارده خانواری دهستان

سربنان در ۲۶ کیلومتری شمال خاوری

زرنند. محصول آن غلات و حبوبات و کار

مردمش کشاورزی و قالیبافی است

= /der e =/

\*۵۷-۲۲-۵۰ دِرگَز /dər e gaz/

۵۰-۲۹ ← /dargaz/ دهچهل خانواری

بخش ماهان کرمان در ۶۶ کیلومتری

جنوب کرمان محصول آن غلات و حبوبات

و کار مردمش کشاورزی، کارهای دستی

و ریسندگی است آب و هوای آن کوهستانی

و سردسیر است .

- دِرگَاوَن /dər e gâvun/

۲۴-۵۶\*۵۱-۳۰ دهكده يك خانواری

دهستان ظفرل جرد در ۴۹ کیلومتری شمال

زرنند کرمان = /dər e gowun/

دِرگُوون = /der e =/

- دِرگِرْدُو /dər e gerdu/

۴۴-۵۶\*۵۸-۳۰ دهكده يك خانواری

دهستان سربنان در ۴۰ کیلومتری شمال

خاوری زرنند کرمان = /der-e =/

دِرگَلُو (ئیه) دهكده /dər e gelu/

دو خانواری دهستان سیرج در ۴۸ کیلو

متری جنوب باختری شهداد کرمان =